



دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی

پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته علوم اقتصادی

بررسی ارتباط بین نابرابری درآمد، مخارج آموزشی و رشد
اقتصادی: مورد ایران (۸۴-۱۳۵۳)

توسط

مهسا فام‌کار

استاد راهنما

دکتر اکبریان

شهریور ماه ۱۳۸۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

اظهارنامه

اینجانب مهسا فام کار (۸۵۰۲۲۲)، دانشجوی رشته علوم اقتصادی گرایش نظری دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، اظهار می‌کنم که این پایان‌نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته‌ام. همچنین اظهار می‌کنم که تحقیق و موضوع پایان‌نامه ام تکراری نیست و تعهد می‌نمایم که بدون مجوز دانشگاه، دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر، مطابق آیین نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: مهسا فام کار

تاریخ و امضاء: ۸۸/۶/۲



به نام خدا

بررسی ارتباط بین نابرابری درآمد، مخارج آموزشی و رشد اقتصادی
مورد ایران (۸۴-۱۳۵۳)

به وسیله‌ی:

مهسا فام‌کار

پایان‌نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی
از فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

علوم اقتصادی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان‌نامه با درجه: عالی
دکتر رضا اکبریان، استادیار بخش اقتصاد (رئیس کمیته).....
دکتر احمد صدراپی جواهری، استادیار بخش اقتصاد.....
دکتر محمدعلی قطمیری، دانشیار بخش اقتصاد.....

شهریور ماه ۱۳۸۸

تقدیم به

زیباترین اتفاق زندگی ام
همسرم

و

دلسوزان همیشگی ام
پدر و مادرم

سپاسگزاری

خداوند را شاکرم که توان پیمودن این مسیر مملو از تعلیم و تجربه را به من عطا فرمود. در طی این مسیر بزرگواران بسیاری مرا یاری نموده‌اند که از تمامی آنها صمیمانه قدردانی و تشکر می‌کنم. اما پیش از هر چیز سپاس بی‌پایان خود را نثار همسر همیشه همراهم که مشوق اصلی دوران تحصیلم بوده است می‌نمایم. زحمات پدر و مادرم که دلسوزان همیشگی‌ام در تمام زندگی من بوده‌اند نیز بر هیچ‌کس پوشیده نیست. از ایشان با تمامی وجود ممنون و سپاسگزارم.

اکنون که این پایان‌نامه به اتمام رسیده است بر خود واجب می‌دانم که از زحمات استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر اکبریان به خاطر کوشش‌های ارزنده و امیدهای همیشگی‌شان به من در به سرانجام رسانیدن این دوره تقدیر و تشکر نمایم. از جناب آقای دکتر قطمیری استاد مشاور دلسوزم که با راهنمایی‌های خود سبب ساز ارائه پایان‌نامه‌ای کامل و بی‌نقص از طریق اینجانب شده‌اند صمیمانه سپاسگزارم. از جناب آقای دکتر صدراپی استاد مشاور دیگرم نیز به خاطر تمامی راهنمایی‌ها و همکاری‌هایشان متشکر و سپاسگزارم. از اساتید مهربانم آقایان دکتر زیبایی و دکتر اسلاملوئیان که از روی لطف و بزرگواری بسیار راهنمایی‌های ارزنده‌ای را در طی انجام این پایان‌نامه به من ارائه نموده‌اند نیز بی‌نهایت ممنون و سپاسگزارم.

بی‌تردید کوشش‌ها و کمک‌های دوست بسیار عزیزم خانم زهرا طیبی مرا در به اتمام رسانیدن این پایان‌نامه بسیار یاری نموده است. خواهر گرامی‌ام و دوستان دلسوزم خانم‌ها سپیده اوجی‌مهر و نغمه زارع‌حقیقی نیز همراهی‌های بسیاری با اینجانب نموده‌اند. از تمامی آنها قدردانی و تشکر می‌کنم و موفقیت‌های پی در پی را برایشان خواهان و آرزومندم.

چکیده

بررسی ارتباط بین نابرابری درآمد، مخارج آموزشی و رشد اقتصادی مورد ایران (۸۴-۱۳۵۳)

به وسیله‌ی:

مهسا فام‌کار

در این پایان‌نامه چگونگی ارتباط بین رشد و نابرابری درآمد در کشور ایران با در نظر گرفتن مخارج آموزشی دولت به عنوان یک عامل واسطه مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای این منظور از یک الگوی سیستم معادلات همزمان استفاده شده است و روش حداقل مربعات دو مرحله‌ای به عنوان روش مناسب برای برآورد آن انتخاب شده است. داده‌های مورد استفاده در این برآورد از نوع سری زمانی و مربوط به سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۴ می‌باشد. در سیستم معادلات مخارج آموزشی دولت و نرخ رشد اقتصادی متغیرهای وابسته و متغیرهای تراکم جمعیت، سرمایه انسانی، مخارج آموزشی سالهای گذشته دولت و نابرابری درآمد متغیرهای توضیحی می‌باشند. نتایج حاصل از برآورد نشان می‌دهد که متغیر نابرابری درآمد با واسطه و بدون واسطه مخارج آموزشی دولت ارتباط منفی با نرخ رشد اقتصادی در ایران دارد. همچنین مخارج آموزشی دولت نیز با نرخ رشد اقتصادی رابطه منفی دارد. اما مخارج آموزشی سالهای گذشته دولت با واسطه مخارج آموزشی دولت، ارتباط مثبتی را با نرخ رشد نشان می‌دهد. البته این نتیجه با توجه به این که اثر مخارج آموزشی سالهای گذشته دولت در رابطه با نرخ رشد معنی‌دار نشده است، باید با احتیاط بیان گردد.

واژه‌های کلیدی: نابرابری درآمد، رشد اقتصادی، مخارج آموزشی دولت، سیستم معادلات همزمان

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
فصل اول: کلیات.....	۱
۱-۱- مقدمه.....	۲
۲-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۴
۳-۱- مسئله تحقیق.....	۴
۴-۱- سوالات تحقیق.....	۵
۵-۱- هدف تحقیق.....	۶
۶-۱- ساختار کلی پایان نامه.....	۶
فصل دوم: پیشینه تحقیقات.....	۸
۱-۲- مطالعات خارجی.....	۹
۱-۱-۲- جمع بندی.....	۲۴
۲-۲- مطالعات داخلی.....	۲۵
فصل سوم: مبانی نظری و ساختار الگو.....	۲۷
۱-۳- کلیات.....	۲۸
۱-۱-۳- فرضیه کوزنتس.....	۲۸
۲-۱-۳- الگوی کلاسیک.....	۳۰
۳-۱-۳- الگوی مدرن.....	۳۰
۲-۳- اهمیت مخارج آموزشی و سرمایه انسانی.....	۳۱

۳۲	۱-۲-۳-الگوهای رشد شامل سرمایه انسانی.....
۳۹	۲-۲-۳-نقش سرمایه انسانی در الگوهای رشد استفاده شده در مطالعات اخیر.....
۴۰	۳-۳-انتخاب الگو.....
۴۱	۱-۳-۳-نابرابری درآمد، متغیری اثرگذار بر نرخ رشد اقتصادی.....
۴۲	۲-۳-۳-مخارج آموزشی، واسطه‌ای در ارتباط بین رشد و نابرابری درآمد.....
۴۳	۴-۳-ساختار الگو.....
۴۴	۱-۴-۳-شاخص (ضریب) جینی.....
۴۶	۵-۳-توضیحاتی در مورد متغیر مخارج آموزشی سال‌های گذشته دولت.....
۴۸	۶-۳-برآورد الگوی مورد نظر.....
۴۸	۱-۶-۳-ویژگی‌های سیستم معادلات همزمان.....
۴۹	۲-۶-۳-مراحل برآورد سیستم معادلات همزمان.....
۵۰	۱-۲-۶-۳-آزمون پایایی.....
۵۰	۲-۲-۶-۳-آزمون اریب همزمانی.....
۵۱	۳-۲-۶-۳-آزمون قطری بودن.....
۵۲	۴-۲-۶-۳-مسئله تشخیص.....
۵۴	فصل چهارم: برآورد الگو و نتایج آن.....
۵۵	۱-۴-کلیات.....
۵۵	۲-۴-منابع آماری.....
۵۶	۳-۴-روش‌های برآورد سیستم معادلات همزمان، مزایا و معایب آنها.....
۶۰	۴-۴-تعیین روش مناسب برای برآورد سیستم معادلات همزمان.....
۶۰	۱-۴-۴-چگونگی انجام آزمون‌ها و نتایج حاصل از آنها.....
۶۰	۱-۱-۴-۴-آزمون پایایی.....
۶۱	۲-۱-۴-۴-آزمون اریب همزمانی.....
۶۳	۳-۱-۴-۴-آزمون قطری بودن.....
۶۴	۴-۱-۴-۴-مسئله تشخیص.....
۶۶	۲-۴-۴-تعیین برآوردگر مناسب.....
۶۷	۵-۴-برآورد الگو و تفسیر نتایج.....

۶۷.....	۱-۵-۴-تفسیر نتایج حاصل از معادله اول.....
۶۹.....	۲-۵-۴-تفسیر نتایج حاصل از معادله دوم.....
۷۱.....	۳-۵-۴-تفسیر نتایج مرتبط با هر دو معادله.....
۷۳.....	۶-۴-برآورد مجدد الگو با حذف متغیر نابرابری درآمد.....
۷۳.....	۱-۶-۴-برآورد الگو با فرض $\alpha_4=0$ و $\beta_4=0$
۷۵.....	۷-۴- بحث و نتیجه‌گیری.....
۷۷.....	فصل پنجم: خلاصه و نتیجه‌گیری.....
۷۸.....	۱-۵-جمع‌بندی.....
۷۹.....	۲-۵-نتایج.....
۸۲.....	۳-۵-توصیه‌های سیاستی.....
۸۳.....	۴-۵-محدودیت‌های تحقیق.....
۸۴.....	۵-۵-پیشنهادات.....
۸۵.....	فهرست منابع.....
	- روی جلد، صفحه تاییدیه اعضاء کمیته و چکیده به زبان انگلیسی

فهرست جدول‌ها

عنوان و شماره	صفحه
جدول شماره ۱: نتایج حاصل از آزمون پایایی.....	۶۱
جدول شماره ۲: نتیجه حاصل از آزمون اریب همزمانی معادله اول.....	۶۲
جدول شماره ۳: نتیجه حاصل از آزمون اریب همزمانی معادله دوم.....	۶۲
جدول شماره ۴: نتایج حاصل از برآورد معادله اول.....	۶۸
جدول شماره ۵: نتایج حاصل از برآورد معادله دوم.....	۶۹
جدول شماره ۶: نتایج حاصل از برآورد معادله اول با فرض $\alpha_4=0$	۷۴
جدول شماره ۷: نتایج حاصل از برآورد معادله دوم با فرض $\beta_4=0$	۷۴

فهرست شکل‌ها

صفحه	عنوان
۴۵.....	شکل شماره ۱ - شاخص جینی

فصل اول

کلیات

۱- کلیات

۱-۱- مقدمه

بسیاری از اقتصاددانان مدتها بر این عقیده بودند که نابرابری درآمد در مراحل اولیه رشد افزایش می‌یابد. در میان فرضیه‌های مطرح در زمینه رشد، فرضیه «رشد و نابرابری در توزیع درآمد» سیمون کوزنتس^۱ (۱۹۵۵) به عنوان یک پایه تئوریک مطرح می‌شود. کوزنتس بیان می‌کند که در سطوح پایینی از رشد اقتصادی، نابرابری درآمد با افزایش درآمد سرانه افزایش می‌یابد و بعد از گذشت مراحل از توسعه، نابرابری درآمد کاهش می‌یابد. در نتیجه از نظر کوزنتس یک رابطه U-معکوس^۲ بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی برقرار است. (دینینگر و اسکوایر^۳، ۱۹۹۷: ۳۸. دینینگر و اسکوایر، ۱۹۹۸: ۲۷۵)

اما از زمان مشاهده کوزنتس تا کنون ارتباط بین رشد و نابرابری درآمد بارها در مطالعات و مقالات مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع حدود پنجاه سال است که رابطه بین رشد و نابرابری درآمد توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. (ترناوسکی^۴، ۲۰۰۵: ۱) یکی از علل این توجه، حاصل شدن نتایج متفاوت و گاه متناقض با یکدیگر در مورد ارتباط بین رشد و نابرابری درآمد در جوامع مختلف است. به عنوان مثال آلسینا و رودریک^۵ (۱۹۹۴)، پرسون و تابلینی^۶ (۱۹۹۴) و پروتی^۷ (۱۹۹۶) در مطالعات خود به یک ارتباط منفی بین رشد و نابرابری درآمد دست پیدا کردند، در حالی که لی و زو^۸ (۱۹۹۸) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که ارتباطی مثبت بین رشد و نابرابری درآمد برقرار است.

1-Simon Kuznets

2-U-inverted

3-Deininger and Squire

4-Turnovsky

5-Alesina and Rodrik

6-Persson and Tabellini

7-Perotti

8-Li and Zou

علی‌رغم این نتایج افرادی همچون بارو^۱ و فوربس^۲ ارتباط بین رشد و نابرابری درآمد را از زاویه‌ای ای متفاوت مورد بررسی قرار دادند. به این ترتیب که بارو (۲۰۰۰) با مقایسه کشورهای مختلف به این نتیجه دست یافت که ارتباط بین رشد و نابرابری درآمد در کشورهای فقیرتر منفی و در کشورهای ثروتمندتر مثبت است. فوربس (۲۰۰۰) نیز در مطالعه خود به این موضوع اشاره نمود که رابطه مثبت بین رشد و نابرابری درآمد تنها در کوتاه مدت برقرار است. (چن^۳، ۲۰۰۳: ۲۰۵. ترناوسکی^۴، ۲۰۰۵: ۱)

به طور کلی مقوله‌هایی که رابطه رشد و نابرابری درآمد را در بر می‌گیرند، همگی در قالب دو الگوی کلاسیک یا مدرن و یا تلفیقی از این دو الگو می‌گنجد. در الگوی کلاسیک رشد و نابرابری درآمد از طریق عامل پس‌انداز یا سرمایه فیزیکی با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند. به این صورت که هر چه نابرابری درآمد افزایش یابد ثروت بیشتری در اختیار قشر مرفه جامعه که میل نهایی به پس‌انداز بالاتری دارند قرار می‌گیرد. این موضوع سبب افزایش پس‌انداز کل و انباشت سرمایه بیشتر می‌گردد و در نهایت رشد اقتصادی را افزایش می‌دهد. (گالور^۵، ۲۰۰۰: ۷۰۷)

برخلاف الگوی کلاسیک، در الگوی مدرن ارتباط بین رشد و نابرابری درآمد منفی ارزیابی می‌شود و سرمایه انسانی عامل این ارتباط منفی است. به این صورت که برابری بیشتر در جامعه امکان سرمایه‌گذاری در آموزش را برای افراد بیشتری از جامعه فراهم می‌کند. در نتیجه هر چه نابرابری درآمد کمتری وجود داشته باشد، سرمایه انسانی بیشتری حاصل می‌گردد و رشد اقتصادی بهبود می‌یابد. (گالور، ۲۰۰۰: ۷۰۷)

لازم به ذکر است که نظریه‌های کلاسیک برای سالهای طولانی در عرصه اقتصاد مسلط بوده‌اند و به عنوان یک واقعیت مسلم در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه تلقی می‌گردیدند. اما مشاهدات آماری سالهای اخیر، نمونه زیادی از کشورهای در حال توسعه را نشان می‌دهد که رشد اقتصادی همراه با بهبود توزیع درآمد را تجربه کرده‌اند. این امر عمدتاً به واسطه دلایلی همچون سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی از طریق آموزش به وجود آمده است. (ابریشمی و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۴)

بنابراین اگرچه بسیاری از مقاله‌ها سرمایه فیزیکی را عامل رشد اقتصادی می‌دانند، اما تحقیقات بسیاری نیز صورت گرفته است که افزایش در رشد را به آموزش و سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی ارتباط داده‌اند.

1-Barro
2-Forbes
3-Chen
4-Turnovsky
5-Galor

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به این که ارتباط بین رشد و نابرابری درآمد بستگی به عوامل مختلفی دارد که بر جوامع گوناگون حاکم است، همواره این سوال اساسی برای سیاستگذاران و دولتمردان در کشورهای مختلف مطرح بوده است که «آیا برای بهبود توزیع درآمد باید به کند شدن رشد اقتصادی تن داد؟ یا این که می‌توان به رشدی همراه با بهبود توزیع درآمد دست یافت؟»

دستیابی به پاسخ این سوال در کشوری مانند ایران نیز می‌تواند راهگشای بسیاری از سیاست‌ها باشد. در این پایان‌نامه ارتباط بین رشد و نابرابری درآمد از طریق مخارج آموزشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در صورتی که بسیاری از مطالعات قبلی ارتباط بین رشد و نابرابری درآمد را از طریق عاملی همچون پس‌انداز یا سرمایه فیزیکی مورد بررسی قرار داده‌اند. بنابراین پرداختن به رابطه رشد و نابرابری درآمد از طریق مبحث آموزش می‌تواند نتایج متفاوتی را به همراه داشته باشد و به دست آمدن این نتایج متفاوت نیز مسلماً راهکارهای جدیدی را در جهت بهبود رشد اقتصادی جامعه ارائه خواهد نمود.

۱-۳- مسئله تحقیق

مسئله‌ای که در این پایان‌نامه مدنظر قرار گرفته است، نوع ارتباط بین رشد و نابرابری درآمد در یک دوره سی و دو ساله در کشور ایران است. البته این ارتباط از طریق کانالی به نام مخارج آموزشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این ترتیب که ابتدا ارتباط نابرابری درآمد با مخارج آموزشی برآورد می‌گردد و سپس رابطه مخارج آموزشی با نرخ رشد مورد برآورد قرار می‌گیرد. در نهایت نیز با توجه به نتایج حاصل از برآورد نوع ارتباط بین نابرابری درآمد و نرخ رشد در ایران با واسطه مخارج آموزشی مشخص می‌گردد.

بنابراین مسئله تحقیق در مثبت یا منفی بودن ارتباط بین رشد و نابرابری درآمد خلاصه می‌شود که این ارتباط نیز به نوبه خود به مثبت یا منفی بودن ارتباط نابرابری درآمد با مخارج آموزشی و مخارج آموزشی با نرخ رشد بستگی دارد.

۱-۴-سوالات تحقیق

با توجه به این که ارتباط بین رشد و نابرابری درآمد در جوامع مختلف یکسان نیست، این پرسش مدنظر قرار می‌گیرد که در کشور ایران چه ارتباطی بین رشد و نابرابری درآمد برقرار است؟ همچنین از آنجا که مطالعات بسیاری این ارتباط را از طریق عامل سرمایه فیزیکی مورد بررسی قرار داده‌اند، این پایان‌نامه درصدد پاسخگویی به نوع ارتباط بین رشد و نابرابری درآمد از طریق مخارج آموزشی است. بنابراین این مسئله که نابرابری درآمد چه ارتباطی با مخارج آموزشی دارد و مخارج آموزشی چگونه با نرخ رشد در ارتباط است، مورد آزمون قرار می‌گیرد.

علاوه بر این در الگوی مورد نظر ارتباط بین نابرابری درآمد و نرخ رشد با واسطه و بدون واسطه مخارج آموزشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین این سوال مطرح می‌گردد که آیا نابرابری درآمد تنها با واسطه مخارج آموزشی با نرخ رشد در ارتباط است؟ یا بدون واسطه مخارج آموزشی و با در نظر گرفتن سطح ثابتی از مخارج آموزشی نیز ارتباط بین نابرابری درآمد و نرخ رشد وجود دارد؟

در نهایت با جمع‌بندی مسائل بیان شده در این قسمت، می‌توان سوالهای تحقیق را به این صورت خلاصه نمود:

۱- در کشور ایران با توجه به عامل آموزش و مخارج آموزشی چه ارتباطی بین نابرابری درآمد و رشد اقتصادی وجود دارد؟

۲- نابرابری درآمد چه رابطه‌ای با مخارج آموزشی دارد؟

۳- آموزش نیروی انسانی چگونه با نرخ رشد در ارتباط است؟

۴- مخارجی که به آموزش اختصاص داده می‌شود چه ارتباطی با نرخ رشد اقتصادی دارد؟

۵- نابرابری درآمد به چه صورت با نرخ رشد در ارتباط است؟ به عبارت دیگر آیا نابرابری درآمد تنها از طریق ارتباطی که با مخارج آموزشی دارد، با نرخ رشد ارتباط پیدا می‌کند، یا این که بدون واسطه مخارج آموزشی نیز نابرابری درآمد یک عامل مرتبط با نرخ رشد به حساب می‌آید؟